[خطبه‌ی اول 3](#_Toc461134744)

[ادامه‌ی تفسیر سوره‌ی ناس 3](#_Toc461134745)

[حقیقت تمسک به عوامل طبیعی برای رهایی از گرفتاری‌ها 4](#_Toc461134746)

[فرق سوره‌ی ناس با سوره‌ی فلق 5](#_Toc461134747)

[تفسیر کلمه‌ی وَسْوَاسِ 5](#_Toc461134748)

[*معنای لغوی و اصطلاحی الخْنَّاس* 5](#_Toc461134749)

[*فرق بین الهامات الهی و وسوسه‌های شیطانی* 6](#_Toc461134750)

[*عوامل وسوسه‌های شیطانی* 6](#_Toc461134751)

[*عوامل الهامات الهی* 7](#_Toc461134752)

[عوامل وسوسه‌ی انسان در قرآن کریم 8](#_Toc461134753)

[*1.* *وسوسه‌های شیطانی* 8](#_Toc461134754)

[*2. وسوسه‌های نفس عماره...* 9](#_Toc461134755)

[*3.* *وسوسه‌های انسان‌های ناپاک* 9](#_Toc461134756)

[خطبه‌ی دوم 11](#_Toc461134757)

[محاسبه‌ی نفس در آخر سال 11](#_Toc461134758)

[اهمیت توجه به دعای تحویل سال 11](#_Toc461134759)

[نگاهی گذرا به وقایع بین‌المللی سال 83 12](#_Toc461134760)

[1. تصویب قانون اساسی کشور افغانستان 12](#_Toc461134761)

[2. انتخابات عراق و جایگاه مرجعیت شیعی 12](#_Toc461134762)

[3. شکست سنگین اسرائیل از حزب الله لبنان 12](#_Toc461134763)

[نگاهی گذرا به وقایع تلخ و شیرین داخلی 13](#_Toc461134764)

[دیپلماسی هسته‌ای و پافشاری بر دو اصل اساسی آن 13](#_Toc461134765)

[انتخابات ریاست جمهوری در سال 84 14](#_Toc461134766)

[نگاهی گذرا به وقایع مهم شهر در سال 83 14](#_Toc461134767)

[**دعا** 15](#_Toc461134768)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمۀ الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## ادامه‌ی تفسیر سوره‌ی ناس

در ادامه‌ی تفسیر سوره‌ی ناس، به این آیه رسیدیم (**الَّذِى يُوَسْوِسُ فىِ صُدُورِ النَّاس**)[[4]](#footnote-4)‏ خداوند در آیات قبلی، با سه صفت، ادب به خدا پناه بردن را به پیامبر آموخت. خداوندی که دارای ربوبیت است؛ خداوندی که دارای ملک و مالکیت است و خداوندی که دارای الوهیت و معبودیت است. هر یک از این سه صفت، به تنهایی علت برای این است که انسان باید به خدا پناه ببرد و به او اعتصام بجوید و از او کمک بخواهد و خود را در پناه او قرار دهد. مرحوم علامه‌ی طباطبایی می‌فرماید: این که واو عطف اینجا نیامده و کلمه‌ی **النَّاس** هم تکرار شده است، این دو دلیل برای این است که هر یک از این سه صفت به تنهایی برای پناه بردن کافی است. انسان وقتی که در برابر خطر و ضرر و شری قرار می‌گیرد، طبع انسان این است که به کسی که سرپرست اوست، پناه می‌برد؛ مانند کودکی که به مادر خود پناه می‌برد. لذا (**بِرَبّ‏ النَّاس**)[[5]](#footnote-5)‏ ‏ دارد. همین که خداوند سرپرست این جهان و هستی است، کافی است که انسان به او گرایش پیدا کند و در تهدید‌ها به لطف او و ربوبیت او چنگ بزند.

از طرف دیگر، انسان به کسی که دارای قدرت و ملک و مالکیت است، پناه می‌برد. وقتی که انسان از چیزی می‌ترسد و تهدید و شری را می‌بیند، به کسی که دارای قدرت و ملک است، پناه می‌برد و لذا می‌فرماید (**مَلِكِ النَّاس‏**)[[6]](#footnote-6)‏

از سوی دیگر انسان به کسی پناه می‌برد که شایسته‌ی اطاعت و بندگی است و خداوند هم (**إِلَهِ النَّاس‏‏**)[[7]](#footnote-7)‏ هست معبود و کسی که همه‌ی انسان‌ها در پیشگاه او باید بندگی کنند، خداست. پس خداوند همه‌ی آنچه که برای پناه‌بردن لازم است را داراست. ما وقتی که در زندگی خود با خطری مواجه می‌شویم، به کسی یا چیزی یا جایی پناه می‌بریم؛ یا به خاطر این که سرپرست ماست یا به خاطر این که دارای قدرت و توانمندی است یا به خاطر این که شایسته‌ی تعظیم و تکریم شخصیت بزرگی است. این سه، در خدای متعال جمع است و لذا ادب را به پیامبر اکرم6 می‌آموزد و می‌فرماید: بگو پناه می‌برم به پروردگار انسان‌ها؛ به پادشاه انسان‌ها و حاکم قدرتمند و مالک انسان‌ها و به خدایی که شایسته‌ی عبودیت و بندگی است. همه‌ی آنچه که برای پناه بردن و پناه‌جویی از یک کسی یا چیزی لازم است، در خدای متعال جمع است. پس باید بدانیم که باید در همه‌ِی احوال به خدا پناه ببریم.

### حقیقت تمسک به عوامل طبیعی برای رهایی از گرفتاری‌ها

 حتی در جایی هم که ما به عوامل طبیعی هم تمسک می‌کنیم، در واقع به خدا تمسک می‌جوییم. وقتی که ما به دارو پناه می‌بریم برای این که از آفت و مریضی نجات پیدا کنیم، در حقیقت، شفای آن دارو در دست خداست. وقتی که به هر عاملی در این عالم پناه می‌بریم که زندگی خود را درست کنیم یا از خطری رها شویم، در حقیقت همه‌ی این‌ها در ملک خداست و همان خدایی که به این‌ها این توانایی و قدرت را داده است که می‌تواند ما را نجات دهد، می‌تواند همه را از آن‌ها بگیرید و با یک نگاه، می‌تواند جهان را زیر و رو کند و هیچ عامل و قدرتی منهای خداوند هیچ جایگاه و پایگاه و ارزشی ندارد. بنابراین در همه‌ی احوال باید به خدا پناه برد. در حقیقت وقتی که به عوامل طبیعی هم که تمسک می‌کنیم، در واقع به قدرت خدا تمسک می‌کنیم؛ متنها اشکال ما این است که به این توجه نداریم که این عوامل و علل طبیعی، این دارو یا ساختمان محکم‌، در دست تدبیر خداست. ما باید بدانیم که در هر حال از همه‌ی بدی‌ها به خدا پناه ببریم و از اقسام شروری که در یکی دو خطبه دسته‌بندی کردیم و بحث کردیم. این آیات گذشته است که جمع‌بندی اجمالی آن آنچه بود که عرض شد.

### فرق سوره‌ی ناس با سوره‌ی فلق

در سوره‌ِ‌ِی ناس، بیشترین تاکید خداوند بر این است که استعاذه‌ای که به خدا می‌بریم، از شر وسوسه‌های شیطان است. فرق سوره‌ی ناس با سوره‌ِی فلق، این است که در سوره‌ی فلق به خدا پناه می‌بریم و فقط یکی از صفات خدا ذکر شده که (**رَبّ‏ الْفَلَق**)[[8]](#footnote-8) ‏است که بعدا تفسیر خواهیم کرد؛ اما چیزی که باید به آن پناه ببریم، در سوره‌ی فلق بسیار عام است. همه‌ی شرور است؛ (**مِن شَرِّ مَا خَلَق**)[[9]](#footnote-9) ‏ بعد هم برخی از اقسام شر را ذکر می‌کند. پس در سوره‌ِی فلق انسان از همه‌ی شرور و تهدید‌های مادی و معنوی طبیعی و ماورای طبیعی، به خدا پناه می‌برد. طیف خطرها و شروری که در عالم وجود دارد، طیف وسیعی است که باید انسان از شر آن‌ها به خدایی که (**رَبّ‏ الْفَلَق**) است، پناه ببرد؛ اما در سوره‌ی ناس، یکی از شرور دوازده‌گانه‌ی که قبلا گفته شده، که شر معنوی است و شری است که سعادت معنوی انسان را از بین می‌برد، از همین شر به خدا پناه می‌بریم. در سوره‌ی ناس، بر مستعاذ به تاکید شده است. خدا، با سه صفتی که برای آن ذکر شده است؛ (**رَبِّ النَّاسِ\*مَلِكِ النَّاسِ\*إِلَهِ النَّاس**)[[10]](#footnote-10) ‏ با توضیحاتی که داده شده است و در مورد مستعاذ منه و بدی که انسان به سمت خدا فرار می‌کند، از آن همه‌ شرور به یکی از شرها اشاره کرده که وسوسه‌های شیاطین است. اما در سوره‌ِی ناس فقط یکی از صفات خدا که رب است ذکر شده است اما چیزی که از آن به خدا پناه می‌بریم، دامنه‌ی وسیعی دارد که همه‌ی شرور عالم طبیعت و ماورای طبیعی باشد. این فرق سوره‌ی ناس و فلق است.

### تفسیر کلمه‌ی وَسْوَاسِ

در سوره‌ی ناس بر وسواس تاکید شده است. (**مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الخْنَّاس‏‏‏**)[[11]](#footnote-11)‏ من در این خطبه، راجع به واسواس، وسوسه و خناس توضیحی را عرض می‌کنم و ادامه‌ی آن، در خطبه‌های آینده توضیح داده خواهد شد.

#### *معنای لغوی و اصطلاحی الخْنَّاس*

کلمه‌ی وسواس و وسوسه، در ادبیات عرب، به آن معنای اول و اصلی آن،صدای جواهر ظریفی که در کیسه‌ای است و در اثر تکان خوردن، صدا می‌دهد را وسوسه می‌گویند. صدای ظریف و بسیار حساس و کمی است. به این وسواس و وسوسه می‌گویند. صدای ظریف جواهرات در یک کیسه. این معنا به حدیث النفس انتقال پیدا کرده است. حرف‌هایی که انسان با خود می‌زند.

**انواع سخن گفتن انسان**

به حرفی که به زبان جاری نمی‌شود؛ چون سخن گفتن، دو جور است. می‌گویند حرف زدن به دو طریق است؛ یکی حرف زدن به مخارج حروفی که از دهان انسان خارج می‌شود؛ مانند این سخنانی که الان ما می‌زنیم حالا کوتاه یا بلند فرقی نمی‌کند. این یک نوع از سخن گفتن است؛ ولی یک نوع سخن گفتن هم داریم که انسان در درون خود حرف می‌زند و خودگویه است و انسان درون خود با خود صحبت می‌کند. حالا گاهی با یک صوت بسیار آرام است و خیلی وقت‌ها هم هست که انسان، بدون این که به زبان جاری کند، با خود و در ذهن خود با خود صحبت می‌کند. بنابراین صحبت کردن انسان به سه قسم است؛ یک وقت حرفی می‌زنیم که به مخاطب دیگری منتقل می‌شود؛ گاهی هم با مخارج حروف و زبان سخن می‌گوید ولی بدون مخاطب است و با خود حرف می‌زند. یک نوع دیگری از سخن گفتن هم هست که اصلا لفظ ندارد و انسان با خود صحبت می‌کند که به این حدیث نفس یا خودگویه می‌گویند که این خود بر دو قسم است که گاهی دارای الفاظ است و خیلی مخفی و آرام و بدون مخاطب، با خود صحبت می‌کند؛ گاهی نیز اصلا الفاظی ندارد و با خود خیال می‌کند و با خود حرف می‌زند که این حدیث نفس به خیال کردن نزدیک است. خاطراتی که در ذهن انسان می‌آید که از طریق فکر می‌آید، آن را هم نوعی از حدیث النفس تلقی می‌شود.

#### *فرق بین الهامات الهی و وسوسه‌های شیطانی*

اصل حرکات و اعمال ما از افکار ماست که خیلی از اوقات، در قالب حدیث النفس در ذهن انسان شکل می‌گیرد. انسان به خود فکر می‌کند و با خود صحبت می‌کند و او را به اقدام وا می‌دارد. این افکار پنهانی که در ذهن انسان نقش می‌بندد و گاهی هم به صورت گفتار و حدیث النفس در انسان تجسم پیدا می‌کند، چند نوع است که برای هر یک از این‌ها اسمی وارد شده است. چیزهایی که به ذهن خطور می‌کند از افکار و حدیث النفس که خیلی در وجود انسان مخفی است و کسی هم به آن پی نمی‌برد، ولی پایه‌ی افکار ما به حدیث النفس‌های ماست که چند قسم است که اعراب، اسم‌هایی برای آن گذاشته است. کل این‌ها را خاطر و خواطر قلبیه می‌گویند. این‌ها را خاطرات انسان است چیزهایی که به ذهن انسان خطور می‌کند؛ متنها آن طور که در لغت عرب آمده است، چیزهایی که در ذهن انسان به انسان القاء می‌شود اگر القائات و افکار خوب باشد، الهام به معنای عام آن می‌شود. اگر افکار خوب و خاطرات خوب باشد الهام می‌َشود و اگر خاطرات، بد باشد و مسیر بدی را ترسیم کند، وسواس گفته می‌شود. اقسام دیگری هم دارد که خارج از بحث ماست که ذکر نمی‌کنیم. خاطرات بدی که در ذهن ما نقش می‌بندد. خواطر قلبی، افکار درونی که حالت حدیث النفس و فکر درونی پیدا می‌کند، اگر خوب باشد الهام و اگر بد باشد وسوسه نامیده می‌َشود. بنابراین وسوسه، به آن صوت‌های مخفی و افکار نهانی می‌گویند که سبقه‌ِی بد و شر دارد که انسان را به تاریکی دعوت می‌کند که وسوسه نامیده می‌َشود. بنابراین وسوسه افکار و خاطرات ذهنی است که در درون و نفس انسان پیدا می‌شود و ما را به بدی‌ها دعوت می‌کند. این وسوسه می‌شود.

#### *عوامل وسوسه‌های شیطانی*

منشا این افکار بدی که به آن وسوسه می‌گویند، که در چند جای قرآن کریم هم آمده است. این در منطق دینی، دو یا سه پایگاه اصلی دارد. عواملی که این افکار بد را در ذهن ما تولید می‌کند. رشته‌ی افکار بد و خیالات باطلی که ما را به راه‌های ناشایسته و گناهان و آلودگی‌ها دعوت می‌کند، این رشته از خاطرات مخفی و افکار نهان و سلسله‌ای از این چیزهایی که در ذهن انسان نقش می‌بندد و ما را به بدی‌ها دعوت می‌کند را وسوسه یا وساوس یا وسواس می‌گویند که در منطق قرآنی سه پایگاه دارد.

1. **نفس عماره**

یک نفس عماره‌ی انسان. در ذات انسان علاوه بر این که عوامل خیر وجود دارد، یک عامل سوء و دعوت کننده‌ی به بدی‌ها هم وجود دارد که نفس عماره می‌گویند. صداهای شری که از درون خود انسان سرچشمه می‌گیرد؛ از دل انسان جوانه می‌زند و ما را به تباهی می‌کشاند، نفس عماره است.

1. **شیطان**

دوم خاطراتی که شیطان در قلب و روح انسان می‌افکند و ما را وسوسه می‌کند. برای ما خیلی طبق فرمول‌های مادی و طبیعی برای ما روشن نیست. بدن انسان را اگر بشکافند، چنین چیزی را پیدا نمی‌کنند؛ اما در منطق دینی و قرآنی تاکید شده است که در عالم ابلیسی وجود دارد و عوامل جنی در خدمت او هستند و نقش این‌ها این است که وقتی می‌خواهند ما را گمراه کنند، ریشه‌ِی گمراهی ما این است که فکر بد را به ذهن و دل و جان ما بیاورند. بذر نخستین گمراهی‌ها و تباهی‌های انسان و پایه‌ی اول آن فکرهای بد و خیالات باطل است که به دنبال آن انگیزه‌ها می‌آید و بعد به عمل بد می‌انجامد که از انسان صادر می‌شود. آن نقطه‌ی اصلی، همان افکار مخفی و شیطانی است. عامل اول آن نفس عماره و عامل دوم آن شیطان است با آن عواملی که دارد

1. **انسان‌های ناپاک**

عامل سوم هم شیطان‌های انسی و دوستان ناباب و رفقای ناشایسته همسر یا فرزندی که ما را به گمراهی دعوت می‌کنند و سایر ابزارها و عواملی که بخشی از آن در رسانه‌های گروهی و انحرافی است که در دنیا پراکنده است و از طرق مختلف انسان را به تباهی دعوت می کنند. این سه عاملی است که ریشه‌ی تباهی انسان را نشانه گرفته است. همه‌ی این‌ها در صدد این هستند که بذر فکر بد را در روح و روان انسان بی‌افشانند. این وسوسه است. وسوسه‌ یعنی افشاندن بذر ناپاکی‌ها در فکر و روح و روان انسان. اگر دقت کنیم هر کسی که گناهی دارد، اول می‌بیند که فکری آمد و جوانه زد و رشد کرد و به تباهی رسید.

#### *عوامل الهامات الهی*

در عبادات هم همین طور است. منتها به فکر خوب، الهام می‌گویند که سرچشمه‌ی آن، فطرت و ملائکه و انسان‌های خوب و هادیان بشر هستند. به این دو گروه می‌گویند دو پایه‌ی سعادت و شقاوت که فکرهای خوب و بد است. مثل این دو گروه را مقایسه کنید. فکر مخفی خوب و فکر مخفی بد، پایه‌ی خوبی‌ها و بدی‌هاست. فکر خوب، پایه است فکر بد هم پایه است. فکرهای بد را وسوسه و فکرهای خوب را الهام می‌گویند. هر یک از این دو گروه هم سه عامل دارند. عوامل فکرهای بد؛ نفس عماره، شیطان جنی و ابلیس و شیاطین انس و زمزمه‌های انسان‌های خراب از دوستان گرفته تا رسانه‌های گروهی، از سه عوامل فکرهای بد هستند. راه خیر و سعادت هم از طریق فکر ما عبور می‌کند. پایه‌ی همه چیز در فکر ماست که این هم سه عامل دارد. فطرت پاک انسانی، الهامات ملائکه و غیبی و آسمانی و ندای هادیان بشر و انسان‌های پاک که سخن و رفتار آن‌ها، فکر خوب را در ذهن ما می‌نشاند و این ارزش بالایی دارد. اول پایه‌ی سعادت و شقاوت، فکرهای مخفی و خیلی پنهان در وجود انسان است که هر یک از آن‌ها سه عامل دارند که ذکر شد. فرمول سعادت و شقاوت ما در فکر است که هر یک هم سه عامل دارد. این معنای وسوسه است. افکار بدی که به صورت مخفی در انسان جوانه می‌زند و سه عامل دارد؛ خود انسان، شیطان جنی و انسان‌های ناپاک. البته این سه عامل، به یک عامل برمی‌گردد که خود انسان است که باید در جای خود تحلیل کرد که شیطان و دوستان ناپاک و رسانه‌های مخربی که انسان را به گمراهی دعوت می‌کنند، این دو عامل، خود انسان را جلو می‌برد؛ یعنی شیطان جن و انس عواملی هستند که نفس عماره را شعله‌ور می‌کنند و تا وقتی که خود انسان تصمیم نگیرد و راه را انتخاب نکند، عوامل بیرونی نقش همراهی و راهنمایی را ایفا می‌کنند نه بیشتر و لذا این سه عامل وجود دارد ولی عامل اصل خود انسان است.

### عوامل وسوسه‌ی انسان در قرآن کریم

در پنج جای قرآن کریم، کلمه‌ی وسوسه آمده است که به عوامل وسوسه‌های انسانی اشاره دارد.

#### *وسوسه‌های شیطانی*

اولین آن‌ها به وسوسه‌های شیطانی می‌پردازد که در دو مورد و در قصه‌ی گمراهی حضرت آدم و حوا آمده است (**فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطانُ لِيُبْدِيَ لَهُما ما وُورِيَ عَنْهُما مِنْ سَوْآتِهِما**)[[12]](#footnote-12)(**فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطانُ قالَ يا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلى‏ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لا يَبْلى**)[[13]](#footnote-13) ‏شیطان به این طریق وارد شد. چیزی را به ذهن آدم القاء کرد که اگر به سمت درخت ممنوعه بروی، جاوندان خواهی شد. یک فکر غلطی که هیچ جایگاه منطقی نداشت را به ذهن آدم القاء کرد و این فکر، او را به استفاده از درخت انداخت و آن جریان رخ داد؛ البته این گمراهی، گمراهی تشریعی نیست ما قبل تشریع است که منافاتی با عصمت انبیا ندارد. اولین خطای انسان از القاء فکر ناثوابی بود که شیطان در ذهن آدم انداخت و به دنبال آن، همه‌ی گمراهی‌ها هم همین طور است. جرقه‌ی اول را شیطان و بعد هم نفس عماره می‌زند و بعد هم دوستان ناپاک است که افکار ناپاک در ما پرورش پیدا کند.

**اهمیت کنترل فکر در مصونیت از گناه**

جمله‌ای مرحوم شیخ عبدالکریم حائری دارد که من قبل از انقلاب، در نماز جمعه‌ی مرحوم آیه الله اراکی که در قم برگزار می‌شد، شنیدم. ایشان از استاد خود شیخ عبدالکریم حائری نقل می‌کردند که شاید این تعبیر پایه‌ای در روایات داشته باشد. گفتند: استاد ما می‌فرمود: **کن دوابا علی قلبک**. اگر می‌خواهی خوب باشی، نگهبان قلب خود باش. نگهبان قلب شدن، یکی از نمادها و نشانه‌های آن این است که انسان نگذارد افکار بد، در او رشد کند. سر و کار با فکر بد و خیالات باطل، انسان را به تباهی می‌کشاند. انسان باید فکر خود را کنترل کند. اگر این ریشه کنترل شد، این درخت، ثمره‌ی بد نخواهد داشت. باید به آن ریشه توجه کرد تا وسوسه‌ها دور شود و این از دشوارترین کارهاست. یک مرحله این است که وسوسه‌ها به ذهن می‌آید ولی عمل نمی‌کند آن هم ارزش دارد ولی این یک درجه از خودسازی است که انسان فکر بد دارد ولی عمل نمی‌کند. یک وقت هست که انسان جلوتر می‌آید و فکرهای بد را در خود کنترل می‌کند. نمی‌گذارد قلب و روح و حریم الهی دست خوش وسوسه‌ها شود.

#### *وسوسه‌های نفس عماره*

در دو جا قرآن کریم به وسوسه اشاره کرده است و این وسوسه‌ی شیطان است؛ اما وسوسه‌ی انسانی (**وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ وَ نَعْلَمُ ما تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ**)[[14]](#footnote-14) ما آدامی را آفریدیم و می‌دانیم نفس عماره‌ی او چگونه او را وسوسه می‌کند. این هم عامل دوم است.

#### *وسوسه‌های انسان‌های ناپاک*

انسان‌های ناپاک هم عامل سوم هستند که در سوره‌ِی ناس آمده است (**مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاس**)[[15]](#footnote-15) ‏. می‌فرماید: این شیطان‌ها که افکار باطل را در روح و روان شما رواج می‌دهند و بذر ناپاکی‌ها را در زمین فکر شما می‌افشانند، هم شیطان‌های جنی و هم شیطان‌های انسی هستند و از همه‌ی این‌ها باید به خدا پناه برد. این وسوسه‌هایی است که در قرآن کریم ذکر شده است و از نقش‌های شیطان، این است که گناه را زیبا می‌کند و آرزوها را در دل می‌پروراند. خیلی از چیزها در قرآن به شیطان نسبت داده شده است. از تعبیرهای خیلی جامع کار قرآن، همین تعبیر وسوسه‌ی شیطان است. همان جایی که آرزوهای باطل را به انسان می‌دهد؛ همان جایی که ناپاکی و آلودگی را زیبا و شیرین می‌سازد، در حقیقت فکر بد را در دل ما تولید می‌کند و این فکر بد، آرزوی بیجا و شیرینی گناه و آلودگی می‌شود. این از کارهای شیطان است. اساس این کارها وسوسه است. کلید فهم نقش شیطان در گمراهی انسان است و پیامبر خدا، در این سوره، مامور به این می‌شود که (**قُلْ أَعُوذُ بِرَبّ‏ النَّاسِ\*مَلِكِ النَّاسِ\*إِلَهِ النَّاسِ\*مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الخْنَّاسِ\*الَّذِى يُوَسْوِسُ فىِ صُدُورِ النَّاسِ\*مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاس**‏)[[16]](#footnote-16)این ادب را به ایشان می‌آموزد که این طور باید به خدا پناه برد و خودت را در پرتو این پناه‌جویی از خداوند، آن وقت دریچه‌های نور و هدایت و خیر بروی انسان گشوده می‌شود.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[17]](#footnote-17)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[18]](#footnote-18) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** بار دیگر همه‌ی شما و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری دعوت می‌کنم.

## محاسبه‌ی نفس در آخر سال

شایسته است همان‌طور که در پایان هر فصلی از زندگی، در پایان سال، انسان به نحوی گذشته‌ی کاری و محاسبات مالی خود را انجام می‌دهد، نگاهی هم به پرونده‌ی اخلاقی و معنوی خود بی‌افکنیم. این امر بسیار نیکویی است. ما بدون بررسی دقیق و بررسی کنجکاوانه‌ی پرونده‌ی خود، قطعاً نمی‌توانیم به سعادت مطلوب، دست پیدا کنیم. گرچه تحویل سال و گذر سال، امور اعتباری و قراردادی است اما درعین‌حال، می‌تواند عاملی برای بیداری انسان باشد و در یک مقاطعی به ما این توجه را بدهد که عمری گذشت و سرمایه‌ای از دست رفت و روزگاری سپری شد و در برابر این سرمایه‌ی بزرگ، چه به دست آوردیم؟ این سؤال بزرگ و کلیدی است که نباید از آن غفلت کرد. امیدواریم که خداوند به ما توفیق و هوشیاری لازم را برای شناخت و بررسی پرونده و تصمیم و اراده برای خودسازی به ما عنایت بفرماید.

## اهمیت توجه به دعای تحویل سال

تولد حضرت امام کاظم7 را به حضور شما تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و برای همه، در سال آینده و در سال جدید، آرزوی توفیق و سلامت و سعادت و سرافرازی دارم و از خداوند می‌خواهیم که قلب‌های ما را در حیطه‌ی الهامات غیبی قرار دهد و قلوب ما را از وسوسه‌های شیطان محافظت بفرماید. تعابیری که طبق دعایی که برای تحویل سال نقل‌شده، تعابیر مهم و بسیار تکان‌دهنده است مقلب‌القلوب و الابصار، مدبر اللیل و النهار، محول الحول و الاحوال. اشاره‌ای به قدرت ازلی خداوند، قدرت لایزال الهی در تصرف در همه‌ی اجزای این عالم است و باید از این اسما و اوصاف خدا، کمک گرفت تا احوال ما به احسن احوال، تبدیل شود. این دعا در حقیقت، تکانی برای روح و اندیشه‌ی ماست تا حال ما را به احسن احوال مبدل کند.

## نگاهی گذرا به وقایع بین‌المللی سال 83

من در این خطبه، نگاهی به برخی از وقایع و حوادث سال 83 در سطح کشور و دنیا خواهم داشت و همین طور نگاهی هم به برخی از مسائل منطقه خواهم افکند. سال 83 سال مهمی برای ما بود و ما هم پیشرفت‌های خوبی را در کشور و در ارتباط با دنیا تجربه کردیم و هم تهدیدهایی را تجربه کردیم. هر دو سوی قضیه امری است که توجه به آن، برای آینده لازم است. ما در سطوح بین المللی، بعد از دو جنگ نظامی که آمریکا راه انداخت، شاهد این بودیم که در اواخر سال 82 و در سال 83 تمام آنچه که آمریکا در دو کشور مورد هجوم خود طراحی کرده بود، به آن دست‌رسی پیدا نکرد.

### تصویب قانون اساسی کشور افغانستان

در افغانستان ملاحظه کردید و قبلا هم توضیح دادم که علیرغم تصویری که آن‌ها داشتند، ما شاهد این هستیم که ضمن این که اقدامات آن‌ها توفیقاتی را در برخی از ابعاد در بر داشت، اما در یک زوایایی هم حرکات آن‌ها به نفع آن‌ها تمام نشده است.

### انتخابات عراق و جایگاه مرجعیت شیعی

در عراق هم همین طور است و انتخابات اخیر عراق، نشان داد که مرجعیت، پایگاه مستحکمی دارد که امروز در میان تحلیل‌گران غربی بهتی وجود دارد. آن ارتش آمریکا، گروه‌ها و بحث‌های پیچیده‌ای که در عراق وجود داشت، یک سید پیر مرد و یک مرجع تقلید، در گوشه‌ای از نجف، بر همه‌ی طراحی‌های آن‌ها غلبه می‌کند. این از شگفتی‌های دین‌داری و از زیبایی‌های مرجعیت در عالم شیعه هست. یک سید پیری که در سنین کهنسالی قرار دارد و هیچ ابزار و قدرت و ارتش و تشکیلاتی در اختیار ندارد در گوشه‌ای از نجف نشسته، می‌تواند همه‌ی معادلات آن‌ها را بر هم بزند. همان کاری که در یک مقیاس بسیار عظیم، حضرت امام در دنیا ایجاد کرد. یک مرجع تقلید بدون این که قدرتی داشته باشد، معادلات سیاسی و بین‌المللی را تغییر داد. در صحنه‌ی عراق ما در سال 83 یک بار دیگر شاهد یک اعجاز الهی از یک نوع آنچه که در انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، اتفاق افتاد. مرجعیت و گرایش دینی مردم، بر همه‌ِی عوامل و طرح‌ها و توطئه‌هایی که طراحی شده بود، غالب شد و امروز ما در تحلیل‌های غربی‌ها می‌بینیم که چه حیرتی دارند که ما چه طراحی کردیم و به کجا رسید؟ همین روزها هم در صدد این هستند که اکثریت لیست ائتلاف عراق و مورد تایید مرجعیت را با نقشه‌های گوناگونی که مجال گفتن نیست، مخدوش کنند. در هر حال این صحنه‌ای است که در دنیا وجود دارد. این توفیق بزرگی برای مسلمانان بخصوص برای شیعه در عراق بود که رخ داد و بغض بسیاری از کسانی را که کینه در دل دارند را برانگیخت. به خاطر این که این شخصیت ممتاز را نمی‌توانند تحمل کنند.

### شکست سنگین اسرائیل از حزب الله لبنان

در اواخر سال باز آنچه که در لبنان رخ داد بسیار حوادث عجیبی بود. ما واقعا کم و بیش در رسانه‌ها دیده‌ایم ولی ابعاد آن بسیار عجیب است. یعنی این سه حادثه‌ای که در سال 83 می‌بینیم، حوادثی است که صدهای محکمی در برابر طرح خاورمیانه‌ی بزرگ آمریکا قرار داده است. آنچه که در قانون اساسی افغانستان آمد؛ انتخابات و حوادث پس از انتخابات عراق و آنچه که در لبنان رخ داد؛ سه حرکت الهی و دینی بود که جلوی طرح بزرگ خاورمیانه‌ی آمریکا را گرفت. در لبنان، آن شخص را ترور کردند و طراحی‌هایی کردند تا سوریه را کنار بزنند و بعد هم روابط ایران با حزب الله را بر هم بزنند و نهایتا حزب الله لبنان را که جمعیتی مقاوم، صبور، هوشیار و با منطق استوار، کارهای بزرگی را انجام داده و برای اولین بار اسرائیل را به یک عقب‌نشینی بزرگی واداشت که در تاریخ اعراب، بی‌سابقه است؛ این جمعیت را برای این که آنجا محاصره کنند، نقشه‌ها و طرح‌ها داشتند که ادامه هم خواهند و این رشته قطع نخواهد شد؛ اما در این مقطع حساس، یک ضربه‌ِی کاری به دشمنان اسلام در عراق و لبنان وارد شد. آن راهپیمایی باشکوه لبنان که با زعامت حزب الله و پیشوایی یک روحانی برخواسته‌ی از حوزه‌های دینی، اتفاق افتاد بسیاری از معادلات آمریکا را بر هم ریخت. این دو حادثه‌ی سال 83 نشان می‌دهد که نباید در مقابل آمریکا مرعوب شد و راه اسلام و نجات جهان اسلام در هوشیاری و مقاومت و آگاهی و بیداری است و این کار اگر با تدبیر و درایت درست انجام شود، شدنی است.

## نگاهی گذرا به وقایع تلخ و شیرین داخلی

در سطح کشور هم توفیقاتی داشتیم که مسئولان ما آن را به دست آوردند. خودکفا شدن در گندم. صدسازی بسیار پیشرفت داشتیم. در کشف و هم هم در استخراج گاز از ذخائر زیرزمینی طرح‌های بسیاری داشتیم که در سال 83 به نتیجه رسید. در صنایع نظامی و موشک‌های شهاب هم توفیقات بزرگی را به دست آوردیم. در قسمت‌های علمی دیگر و در بخش‌های مختلفی که در مراکز علمی ما کار می‌شود. در سلول‌ها بنیادی و قسمت‌های دیگر، شاهد پیشرفت بوده‌ایم؛ البته در کنار این توفیقاتی که اشاره شد، می‌شود به چیزی که در انرژی هسته‌ای اتفاق افتاده، اشاره کرد. واقعا امروز برای کسانی که خیر و سعادت این ملت را نمی‌خواهند، جای شگفتی است که کشوری که با این همه تحریم و مشکلات، در عرصه‌ی انرژی هسته‌ای این قدر پیشرفت داشته باشد و روی پای خود و به دست عالمان و متخصصان خود، این قدر کارهای بزرگی انجام دهد و همین بغض آن‌ها را توسعه می‌دهد. به هر حال این قسمت‌هایی از پیشرفت‌های ما در سال 83 بوده است. البته ما در کنار این‌ها، با تهدید بزرگی مواجه هستیم که باید با هوشیاری و درایت، کار را پیش برد.

### دیپلماسی هسته‌ای و پافشاری بر دو اصل اساسی آن

آنچه که کشور ما در عرصه‌ی جهانی و دیپلماسی هسته‌ای انجام داده است روی دو مسئله تاکید شده است یکی این که ما به دنبال صلاح هسته‌ای نیستیم و دیگری این که دانش فنی خود را صیانت خواهیم کرد. در کنار این دو اصل اساسی، مسئولین ما تلاش کرده‌اند که با منطق با دنیا صحبت کنند و تا جایی که امکان دارد، افکار عمومی دنیا را از افکار آمریکا جدا کنند و در این مسیر جلو رفتند. گرچه حدس زده می‌شد و نشانه‌هایی هم وجود دارد که اروپایی‌ها به تنهایی نمی‌توانند تصمیم بگیرند و ما این مسیر را با هوشیاری و بصیرت تمام، ادامه خواهیم داد. هم منطق خود را برای دنیا تصویر می‌کنیم و هم از نقاط اصلی اهداف خود دست برنمی‌داریم. طبعا ما این توفیقات را داشتیم. به هر حال ما مشکلاتی هم در تورم و زندگی مردم داشتیم که امیدواریم که طبق برنامه‌های اصولی توجه شود که طرح‌هایی هم انجام شده است که امیدواریم که با درایت و جامع‌نگری به این مقوله هم نگاه شود.

## انتخابات ریاست جمهوری در سال 84

در سال 84 هم مخاطرات بین المللی داریم که باید با درایت آن‌ها را حل کرد و هم انتخابات ریاست جمهوری را داریم. حضور و آگاهی ملت می‌تواند بر این مخاطرات و تهدید‌ها غلبه کند و وظیفه‌ی ما هم این است که با هماهنگی و انسجام و رعایت همه‌ی آنچه که برای مقابله‌ی با دشمن لازم است را بتوانیم کاری را در سال 84 به درستی سامان بدهیم. وظیفه‌ِی مسئولین هم در این زمینه، وظیفه‌ی دشورای است. امیدواریم که خداوند به همه‌ِی ما توفیق بدهد که آن طور که خداوند می‌پسندد اقدام کنیم.

## نگاهی گذرا به وقایع مهم شهر در سال 83

در سطح شهرستان و منطقه هم توفیقاتی داشتیم که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم. در امر گازرسانی به حمد الله تقریبا همه‌ی شهر، زیر پوشش گاز قرار گرفت و تقریبا نقطه‌های بسیار کمی داریم که از این نعمت محرم باشند که در سال 84 تکمیل خواهد شد. در مسئله‌ی مخابرات، قدم‌های بزرگی برداشته شده است. در آموزش و پرورش هم توفیقات خوبی داشتیم. در بحث دانشگاه و فضاهای علمی هم قدم‌های خوبی برداشته شده است. در مسائل صنعت شاهد رشد صنعتی قابل قبولی بودیم. در امر فولاد، امیدهایی پیدا شده گرچه هنوز مشکلاتی داریم. در بحث توسعه‌ی صنعت کاشی در این منطقه ادامه دارد اما تهدیدهایی هم متوجه این صنعت هست که باید مسئولان به آن توجه داشته باشند. در مسائل فرهنگی و اخلاقی، تلاش‌هایی در حوزه‌های دانشگاهی انجام شده است که امیدواریم که با همکاری دانشجویان و مراکز علمی ادامه داشته باشد و ما بتوانیم در کنار توسعه‌ی دانشگاهی، به توسعه‌ی کیفی و عمقی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی بپردازیم. در بحث‌های فرهنگی، شکوه راهپیمایی 22 بهمن و نمازهای ماه مبارک رمضان و عرصه‌ها و مراسم‌های معنوی که در مصلا و در جاهای دیگر شهر، برگزار می‌شود نیز از نقاط درخشان معنوی است که در شهر شاهد بودیم. در عمران و مسائل شهری هم قدم‌هایی برداشته شده است که جای تشکر دارد اما درعین‌حال من در نامه‌ای هم که به مسئولان شهر دادم، مسائل مهم ذکر شده است. دوستان ما در شهرستان، پیگیر محورهای مهم، در سال آینده خواهند بود. توصیه من هم به مسئولان این است که در سال آینده کمر همت را ببندند و در سال 84 قدم‌های بزرگ‌تری برداشته شود. در بحث صنعت، حل مشکلات صنعت و تنوع‌بخشی به صنعت باید مورد توجه باشد. در بحث کشاورزی باید بیشتر مورد توجه باشد. در عمران و شهرسازی مشکلات فراوانی داریم که باید هم مسئولان کمک کنند و هم باید مردم تلاش کنند تا شاهد برخی از نابسامانی‌های شهری نباشیم. امر کمربندی هم که شروع شده و امیدواریم که با پیگیری مسئولان سرعت بیشتری پیدا کند که ما از مشکلات داخل شهر، رهایی پیدا کنیم. بحث فاضلاب یک زیرساخت بسیار مهمی است که امیدواریم در سال 84 شروع شود. در مراکز علمی و تحقیقی، پروژهای مختلفی است که باید در سال 84 ادامه داشته باشد. از لحاظ فرهنگی هم ما از لحاظ کتابخانه و کتاب، متناسب با دانشجویان ما نیست که امیدواریم که در سال آینده یک جهش و ترقی در این زمینه داشته باشیم. در سایر زمینه‌های آموزش و پرورش و جاهایی که برای پیشرفت شهر لازم است، برنامه‌هایی پیشبینی شده و ادارات و ارگان‌های مختلف، مشغول هستند و من امیدوارم و تاکید می‌کنم که مسئولان محترم، استاندار، نماینده محترم و مسئولان شهر با وحدت و انسجام و هوشیاری و آینده‌نگری در شهر، تلاش کنند تا سطح اشتغال بالا بیاید و زمینه‌ای برای آسایش بیشتر جوانان عزیز ما فراهم شود.

از خدا می‌خواهیم که به همه‌ی ما توفیق قدم برداشت در مسیر خدمت به مردم و پیشبرد نظام مقدس اسلامی عنایت بفرماید. در پایان عرائض خودم، خدمت همشهریان عزیزی که در طول سال اینجا نیستند ولی در ایام تعطیلات به اینجا می‌آیند، هم خیر مقدم عرض می‌کنم و هم امیدوارم که همه‌ی کسانی که در نقاط دیگر کشور هستند، به نحوی ارتباط خود را با زادگاه خود، حفظ کنند و تا جایی که امکان دارد، از لحاظ فکری، علمی، اقتصادی، سرمایه‌گذاری همکاری و هم‌فکری کنند. این وظیفه‌ی همه‌ی کسانی هست که به دور از زادگاه خود هستند که به زادگاه خود هم توجه داشته باشند و تاکید می‌کنم که ما در ایام تعطیلات هم باید نسبت به مهمانان و کسانی که به شهر ما می‌آیند، توجه کنیم و مهمان‌نوازی کنیم و البته باید ضوابط و معیارهای دینی و اخلاقی مورد تاکید قرار بگیرد. خود مردم باید حافظان و نگهبانان اخلاق و معنویت شهر باشند.

در پایان هم خدمت میهمانان عزیزی که در مراسم امروز شرکت کردند، طلبه‌های خواهری که از 20 کشور دنیا که به یزد آمدند و امروز هم در نمازجمعه‌ی میبد شرکت کردند، خوش آمد عرض می‌کنم.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[19]](#footnote-19)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 5. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 1-3. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 4. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی اعراف، آیه‌ی 20. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی طه، آیه‌ی 120. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره‌ی ق، آیه‌ی 16. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 6. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ی ناس. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-17)
18. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-18)
19. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-19)